

از مذاکرات خبرگان می شود نتیجه گرفت که عناوینی مانند توهین به مقدسات و نشر کتب ضاله اخلال است به مبانی؛ بنابراین سلب آزادی از اجتماعاتی که به منظور اخلال در مبانی اسلام آمده اند، نامشروع نیست؛ زیرا حفظ اجتماع بر بنیان صحیح و به دور از انحطاط، حق طبیعی جامعه است. البته باید توجه داشت که سؤال و اشکال درباره مبانی اسلام اگر به دور از انکار مبانی و به قصد حقیقت جویی باشد، مانعی ندارد. همچنین اشکال و جواب هایی که بین علمای اسلام و ادیان دیگر ردوبدل می شود و نیز بیان افکار و عقاید ادیان دیگر میان خودشان، اخلال محسوب نمی شود. در این باره باید دید قصد اخلال هست یا نه که پی بردن به این قصد دشوار است. البته اخلال بدون وجود قصد هم تحقق پذیر است؛ زیرا اگر ملاک ایجاد اخلال یا عدم آن منوط به قصد باشد، باید هر فردی بتواند با قصد صحیح هر مطلبی را که در نظرش نافع است بیان کند، هر چند که مخل مبانی اسلام باشد که البته هیچ عاقلی این را تأیید نمی کند.

۲. تلقی مبانی اسلام به اصول دین

برخی معتقدند که مبانی اسلام همان اصول دین است که با قلب انسان است نه با اعمال بیرونی او. حتی برخی به کلام امام خمینی (ره) استناد کرده اند مبنی بر این که آنچه که شرط مسلمان بودن است، اعتقاد به اصول سه گانه است: خداپرستی (یکتاپرستی)، نبوت و معاد. البته ممکن است کسی پیامبر را قبول داشته باشد، ولی قائل به نماز و روزه نباشد که در عرف او را مسلمان نمی دانند. در این متن دو نکته حائز اهمیت وجود دارد:

۱. مجتهد در مقام حکم به نجاست کافر است، که این با دو مقدمه تمهید شده است: اولاً در مقام بیان اصل در مسئله عبادی است نه ترسیم کل حکم ضروری دین؛ ثانیاً چنانچه ثابت شود که وی احکام را عمداً نفی کرده، در حکم نفی نبوت است.

۲. احکام به اعتبار موضوع مختلف اند. فقیه در موضوع اثبات نجاست و کفر تضییق را ملاک می داند تا کسی بی جهت مرتد نشود؛ لذا در احکام اجتماعی که اصل، حفظ نظم اجتماعی است، نمی توان به تساهل عبادی رجوع کرد.

۳. تبیین انتقادی نظریه ها

درباره دو نظریه فوق، محدودیت هایی در فقه هست: از سویی مشهور قائل اند که انکار به صورت عنادی ضروری دین، موجب ارتداد است، مگر اینکه از روی جهل مرکب باشد. سیدمرتضی،



اصل بیست و یکم متمم قانون اساسی مشروطه درباره حق اجتماع می نویسد:
«انجمن ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دینوی و مخل به نظم نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعی با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر می کند باید متابعت نمایند. اجتماعات در شوارع و میدان های عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند».